



۲۳

# سوسیالیسم امروز

۱۱ نوامبر ۲۰۱۷ - ۲۰ آبان ۱۳۹۶

S\_zijji@yahoo.se

سرپرست: سلام زبیدی

اطلاعیه حزب سوسیالیست انقلابی  
در باره  
**تهدیدها و فضا سازی  
نظامی از جانب دولت‌های  
ایران و عربستان**

**جمهوری اسلامی و ترفند "ملت ایران"  
آیا زنان، کارگران و کودکان جزو "ملت  
ایران" هستند؟**

صفحه ۴

**نسل جوان ، نسل آزادیخواه،  
نسلی در حرکت**

صفحه ۱۱

**طلاق، معضل یا راه چاره برای برون  
رفت از مشکلات**

صفحه ۸

**کودکان کار**

صفحه ۷

**اسلام و تسلیم نقطه مقابل آزادیند  
(قرآن را با زبان مادری بخوانیم)**

صفحه ۱۰

**دمکراسی یا نفت!؟**

صفحه ۹

**اطلاعیه شماره ۸ کمیته دفاع از محمود صالحی  
تصمیم دستگاه‌های امنیتی به بازگرداندن محمود  
صالحی به زندان**

صفحه ۶

**در محکومیت ترور جنایتکارانه  
احمد نبیسی**

صفحه ۸

اخیرا یکبار دیگر به بهانه پرتاب موشک به سوی فرودگاه ریاض فضای جنگی و تهدید به جنگ و انتقام‌گیری از سوی دولت‌های عربستان و ایران و دارودسته های تروریست حامی آنها در منطقه شروع و به نگرانی و فضای یاس و ناامیدی مردم بی دفاع در منطقه افزوده است. همزمان ترامپ، این سرمایه دار دلچاک حاکم بر کشور امریکا نیز، که سرگرم ماجراجویی در آسیا و علیه کره شمالی است، به آتش بیار این ماجرا نیز تبدیل شده است و می‌خواهد با تحریک عربستان بر فشار خود بر ایران افزایش دهد. و همزمان شاهد تهدید و تحریکات جمهوری اسلامی در پوشش دفاع از "حوثی" های یمن هستیم. داستان "کناره گیری" سعد حریری در پست نخست وزیری لبنان و اینکه گویا برنامه ترور او در جریان بوده و سر انجام اعلام خروج شهروندان عربستان و متحدینش از لبنان به تشدید چنین بحرانی افزوده است. بدین ترتیب زنگ خطر وقوع احتمالی جنگ ویرانگر دیگری را در منطقه به صدا در آورده اند و باید قبل از عملی شدن آن در مقابلش ایستاد.

بنظر میرسد با کاهش یا "پایان یافتن جنگ با داعش"، جنایتکاران حاکم بر جهان، که سالها است با کمک همین دولت‌های مرتجع چون ایران و عربستان و سوریه و عراق و ترکیه و اسرائیل خاورمیانه

صفحه ۲

**کارگران جهان متحد شوید!**



را به میدان جنگ نیابتی و ویرانگر تبدیل کرده اند، هنوز به بحراناها و جنگهای دیگری نیازمند هستند تا راه برای تعیین تکلیف نهایی با یکدیگر و عبور از بحراناها اقتصادی و نارضایتیهای اجتماعی که در کشورهای خود با آن روبرو هستند، فراهم کنند. تعمیق و ایجاد کانونهای بحران و کشمکش خونین جدید، که در آن بجز مردم بی دفاع و طبقه کارگر و صف آزادیخواهی کسی متحمل ضرر نشده است!، همچنان یک نیاز اساسی کلیه قدرتهای جهانی و منطقه ای نظامهای جنایتکار میباشد. اثبات شده است که حاصل این بحراناها و جنگها در جایی که به برکناری دولت "دیکتاتور" معینی نیز منجر شده است، نه تنها هیچ نفعی برای مردم تشنه آزادی و رهایی در بر نداشته است بلکه دقیقاً در جهت عکس منافع واقعی جامعه عمل شده و جز روی کار آمدن جانی ترین دولتها در منطقه و عروج جنبش و احزاب به شدت مافیائی و تروریستی-اسلامی و قومی حلقه بگوش و مزدور هیچ دستاوردی برای مردم به ارمغان نیاورده و نخواهد آورد!

بنظر میرسد راه اندازی جنگ مجدد، در پوشش سنی گری و شعیه گری، به رهبری جانی ترین دولتهای حاکم مانند جمهوری اسلامی ایران و عربستان، چه در شکل رودرو و مستقیم یا در شکل گسترش تنش و جنگ از طریق نیروهای وابسته به آنها به پروژه قدرتهای "متمدن غربی" تبدیل شده است که میتواند به مراتب مخاطره آمیزتر و پر هزینه تر از آنچه تا کنون در قالب "داعش" "حشد شعبی" و "حزب الله" و غیره تجربه کرده ایم تمام گردد

برای شهروندان در منطقه. در صورت وقوع چنین جنگ جنایتکارانه ای، کل منطقه را برای یک دوره طولانی تر وارد جنگ و آشوب و آدمکشی و مسابقه تسلیحاتی و نابودی انسانهای بیشماری خواهد نمود. این مخاطره میتواند نه تنها کل منطقه که کل جهان را در بر بگیرد. مخاطرات واقعی آن کمتر از تهدید جنایتکارانه هسته ای و نابود کردنهای یکدیگر مربوط به "بحران کره شمالی" از جانب دولتهای امریکا و کره شمالی و همپیمانانشان نیست. سرمایه داران حاکم بر جهان بر اراده بی اراده شده جهان متمدن و عادت دادن بشریت به اوضاع هولناک در منطقه سرمایه گذاری زیادی کرده اند.

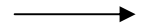
جمهوری اسلامی ایران که از روز اول تا کنون هر شکلی از جنگ و خشونت و کشتار برایش "نعمت" بوده است یکی از کانونهای اصلی این نوع مخاطرات بوده و میتواند بنا به موقعیت داخلی و خارجی که دارد بیش از هر زمانی به استقبال چنین سناریویی برود. این رژیم در بعد منطقه ای از سوریه تا عراق و حشد شعبی و عبادی تا اعمال قدرت در بخشی از کردستان عراق و از حوثی ها تا حزب الله و لبنان و فلسطین و اتکا به همپیمانان روسیه و سوریه اش توانسته خود را به "قدرت منطقه ای"، در واقع به کانون جنگ و خونریزی و مرکز سمی اسلامی-تروریستی تبدیل کند. از اینرو و با بهره گیری از این تحولات منطقه ای همواره برای سرکوب مستمر جامعه ایران به ویژه نیروها و جنبشهای کارگری و مترقی بهره بگیرد، و وانمود کند که از چنان قدرتی برخوردار است که در داخل کشور نیز باید همه تسلیم او شوند. و حتی اگر آشکارا ثروت و پولهای این مملکت را میدزدند، و قریب به هشتاد درصد مردم زیر خط فقر زندگی میکنند و کارگران را که با گرسنگی مواجه کرده باز به تمکین بیشتر بکشاند، و در بعد میلیونی که با کودکان کار و خیابانی و بیکاری و فقر و حاشیه نشینی و نابودی نسلهای که روبرو هستیم نباید اعتراض کرد چون "دشمن خارجی" دارند! دستمزدهای معوقه و بیمه و رفاه و غیره را هم نباید مطالبه کرد، به سرکوب و بازداشت و به زنجیر کشیدن کارگران و فعالین هم نباید معترض بود چون ایران با "تهدید روبرو است"، چون ایران "امن تر" است از فلان کشور در منطقه!...

جمهوری اسلامی بدون جنگ و سرکوب و ترور و قمه کشی و مزدور پرورش دادن و هیاهویی دشمن تراشی در مقابل موج نفرت اجتماعی و اعتراضات کارگری و توده ای خورد خواهد شد! این "خطر" و "دشمن" واقعی از "درون" است که جمهوری اسلامی را بخشا به سوئی ماجراجویی نظامی و حتی استقبال از شروع جنگ با "کشور خارجی" و زمینه سازی برای باز هم نظامی تر کردن فضای داخل کشور نیز کشانده است. اما این قمار جنایتکارانه در تحولات پیشروی منطقه و در دوره "بعداز داعش" و ماجراجویی و هارت و پورتهای "رهبر دمکراسی جهانی" مانند ترامپ و بحران مجدد در داستان "برجام" که یک عمر مردم را بازی دادن به این بهانه، میتواند کل جامعه ایران را به مسیر ویرانگر شبیه سوریه و عراق و افغانستان سوق دهد و کابوس وحشتناک توده مردم در آن کشورها را به کابوس واقعی همه شهروندان ایران تبدیل نماید. جمهوری اسلامی خود یک عنصر اصلی وقوع خطر سناریو سیاه در ایران بوده و هست! جمهوری اسلامی استراتژی بقای خود را از این طرق تعریف میکنند. و اما باید این استراتژی و سیاست بقای جنایتکارانه را با شکست برای خود جمهوری اسلامی تبدیل نمود و اجازه نداد آوار آن بر سر جامعه ایران فرو بریزد!

در باره کشمکشها و مخاطرات که اشاره گردید حزب سوسیالیست انقلابی ایران توجه افکار عمومی، طبقه کارگر و کلیه نیروهای مترقی را به نکات زی جلب نموده و خواهان تلاش متحد و همه گیر علیه جمهوری اسلامی ایران عربستان سعودی و دولت امریکا است:

۱- ماجراجویی های نظامی جنایتکاران حاکم بر امریکا، ایران، عربستان و هر کشور دیگری که به دنبال اعمال جنگ، تروریسم و زورگویی علیه کشور و شهروندان دیگری است به شدت محکوم کرده و نیروهای مترقی و جوامع متمدن را به مقابله با آنها

**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**



۲- هر شکل از تداوم فضای جنگی و یا شروع احتمالی جنگ بین عربستان و ایران را محکوم نموده و آنرا اقدامی ضد انسانی و در راستائی منافع جنایتکارانه هر دو طرف دانسته و باید از هر سو محکوم و طرد شوند.

۳- حضور نظامی و ماجراجوئیها و دخالتهای جمهوری اسلامی در منطقه، حضور تروریستی آنها در عراق و کردستان عراق، سوریه، یمن، لبنان، فلسطین و غیره را شدیداً محکوم نموده و خواهان بیرون راندن آنها از کلیه این کشورها به وسیله شهروندان و نیروهای مترقی مقیم آن کشورها و از طریق اعتراض شهروندان مقیم ایران هستیم.

۴- اعلام میکنیم که هر شکلی از ماجراجوئی نظامی رژیم اسلامی در منطقه، هر شکلی از دخالت و اقدام نظامی متقابل کشورهای دیگر علیه ایران، و هر نوع امید بستن به دخالت آن کشورها به هدف "تضعیف" جمهوری اسلامی از جانب "اپوزسیون" و یا "مردم" را نه تنها محکوم نموده که کل این سناریو را در خدمت به بقای ننگین حاکمیت اسلامی و علیه مبارزه آزادیخواهانه برای سرنگونی انقلابی رژیم تروریست اسلامی ارزیابی میکنیم.

۵- گسترش اعتراضات جاری و اتحاد حول مطالبات واحد علیه نظام اسلامی در بعد به مراتب گسترده تر و متحد کننده تر و در یک صف مستقل آزادیخواهانه و سوسیالیستی، اقدام برای اعتراض به حضور نظامی این رژیم در کشورهای دیگر و پایان دادن به دخالتهای سیاسی- عملی و نظامی- تروریستی آن در کشورهای همجوار، آماده شدن عملی و سیاسی جامعه برای مقابله با مخاطرات که این رژیم و نیروهای اسلامی و قومی مرتجع ممکن است ایجاد کنند، پیوستن شهروندان مدافع آزادی و برابری و امنیت و رفاه همگانی به سیاست و صف نیروهای آزادیخواه و سوسیالیست و جنبشهای اعتراضی غیر ملی و غیر مذهبی، و بلاخره آماده شدن برای سرنگونی توده ای و قهر آمیز این رژیم فاشیست اسلامی را به عنوان تنها گام موثر علیه مخاطرات و فضا سازی نظامی موجود و در جهت پایان دادن به یک تاریخ از نزاع و جنگ و کشتار و تروریسم و استبداد و استثمار در ایران می دانیم.

۶- سرنگونی رژیم فاشیست اسلامی سرمایه داران حاکم بر ایران توسط طبقه کارگر و مردم آزادیخواه و احزاب و نیروهای مترقی و سوسیالیست در عین حال می تواند پیامدهای بسیار مثبتی در جهت تضعیف کل نیروها و دولتهای مرتجع منطقه نیز داشته باشد.

۷- طبقه کارگر ایران، جنبش آزادیخواهی زنان و جوانان را به هوشیاری و آمادگی برای مقابله با اوضاع مخاطره آمیز کنونی فرا میخوانیم. پیوستن به حزب سوسیالیست انقلابی، تقویت آن و حمایت جدی از سیاستهای این حزب یک رکن مهم آماده سازی برای مقابله با مخاطرات کنونی و تلاش موثری برای سرنگونی کلیت رژیم جانی اسلامی حاکم بر ایران در جهت رسیدن به آزادی و برابری و رفاه و امنیت در جامعه است.

**نه به جنگ دولتهای مرتجع و تروریست پرور!**

**مرگ بر جمهوری اسلامی ایران!**

**زنده باد سوسیالیسم!**

**حزب سوسیالیست انقلابی ایران**

**iransocialist2017@gmail.com**

۱۹ آبان ۱۳۹۶

۱۰ نوامبر ۲۰۱۷



**iransocialist2017@gmail.com**

**www.simroz.org**

**۰۰۳۳۷۵۸۰۷۸۴۱۰ / ۰۰۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶ / ۰۰۴۶۷۶۲۳۴۹۶۸۳**



**آزادی، برابری، رفاه، امنیت!**

## جمهوری اسلامی و ترفند "ملت ایران" آیا زنان، کارگران و کودکان جزو "ملت ایران" هستند؟

ابراهیم باتمانی



خودشان صاحب اختیار خود باید باشند همانگونه که در جوامع غربی به نسبت چنین موقعیتی بدست آمده به همت مبارزاتی که صورت گرفته است.

اینکه چه جور لباس میپوشند، چه جور آرایش میکنند. علاقه به چه نوع ورزشی دارند، چه هنری را دوست دارند، چه نوع ترانه ای را دوست دارن، و غیره تصمیم زندگی کردن با خودشان است. خودشان صاحب تن خودشان هستند. سفر رفتن حق بی چون وچرا زنان است. لازم به اجازه گرفتن از کسی از جمله از دولت و قانون ندارد. ازدواج کردن امر خصوصی افراد است ربطی به شریعت و قانون ندارد. ازدواج زیر ۱۸ سال ممنوع. سیغه یک نوع تن فروشی است که حکومت شریعت از آنجا که زن را فقط برای سکس و خانه و بچه داری برای مرد میخواهد چنین قوانین ضد انسانی اعمال میکنند. زنان حق خودشان است به هر مقام و سمتی که استعداد و توانش دارند دست پیدا کنند. با مردان کاملاً برابر هستند و باید باشند! هر نوع مانع تراشی و دخالت شرعی و قانونی در باره زنان ممنوع باید اعلام گردد!

نصف جامعه است هیچ دفاعی نمیشود که بانی سرکوب و نابرابری برای زنان نیز هست. جمهوری اسلامی با تمام قدرت دم و دستگاه اداریش و با تفکر پوسیده قرون وسطی و گروه حراست و نهی از منکر و سربازان گمنام امام زمان و لباس شخصیها و اسید پاشها و در رادیو تلویزیون و طریق اخوندهای اوباش روی منبر و دهان نمونه دیگر کارشان دقیقاً این شده که "نه" گفتن به حق و حقوق زنان را به یک امر "طبیعی" و مهندسی شده و تبدیل آن به فرهنگ کل جامعه را مهمترین امر خود دانسته اند! این نوع برخوردها توهین و بی حرمتی و تحقیرزنان ایران است که در پوشش اسلام و ملت و دولت مرتجع اعمال میگردد و اما نباید جامعه هشتاد میلیونی، به خصوص زنان، بیش از این چنین اوضاعی را قبول کنند.

وظیفه هر انسان شرافتمند و آزادیخوا و برابری طلب و کمونیست میباشد در مقابل این تحقیر و زورگویی به ایستد و جوابشان را بدهند و بشان بگویند از کجا وجه کسانی این حق و پادرازی برای را به شما را داده اند تا چنین غیر انسانی به زنان در این مملکت برخورد کنید؟ مگر زن انسان نیست؟ مگر زن "ملت ایران" نیست؟ زنان در جامعه ایران چه کمتر از زنان در اروپا دارند؟ زنان

آیا حکومت و زحمتکشان و محرومانی وجود دارند که ۹۹ درصد جامعه را تشکیل میدهند. از اینرو این اکثریت، "دولت" و "ملت مشترک" و منفعت یکسان با "همه مردم" و از جمله با جنایتکاران اسلامی حاکم بر ایران و سرمایه داران ندارند!

در هر صورت دولتی که مدعی دفاع از منافع "ملت" و "مردم" است باید دید که چگونه از آن "ملت" و "مردم" دفاع میکند؟ این حکومت در این ۳۹ سال که به عمرنگینش هنوز دارد ادامه میدهد ابتدائی ترین حقوق شهروندان آن "ملت" و "مردم" را به رسمیت نشناخته و نمیشناسد. "ملت و مردم" برای ارتجاع یعنی تسهیل ملزومات کسب قدرت یا تداوم حاکمیت یک طبقه و یک جنبش بر طبقه و جنبش دیگر، یعنی تداوم حاکمیت نظام جانی جمهوری اسلامی با همراه شدن بخشی از "اپوزسیون" و "مردم" در سایه این نوع ترفندهای دروغین و اما "عامه پسند" ارتجاعی.

### زنان و "ملت ایران"

برای نمونه نصف جامعه ایران زن هستند. این جمعیت بزرگ فاقد هر نوع تصمیم گیری و حق و حقوق در جامعه در برابر قانون و شراکت در "انتخاباتها" و یا در قوانین ناظر بر خانواده و حق برابر با مرد نبوده، نیست. و از طرف دولت اسلامی نه تنها از این "ملت" زنان که

جمهوری اسلامی و ترفند..

→

**کودکان و "ملت ایران"**

کودکان هم عضو مهمی از "ملت" هستند! آیا جمهوری اسلامی به این بخش از "ملت" هم توجه دارد؟ یا عامل بدبختی آنها نیز شده است؟ همین چند روز پیش مقامات بالای جمهوری اسلامی از "تجاوز به ۹۰ درصد کودکان کار و خیابانی" پرده برداشت و همین کافی است برای اثبات موقعیت له شده کودکان در سایه حکومت فاسیست اسلامی!

در دنیایی امروزی کودک اولویت هر جامعه ای است. دولت مسئول سلامتی روحی و جسمی و شادابی و تهیه کننده امکانات آموزشی رایگان و تغذیه کودک مستقل از موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده میباشد. اما در حکومت جمهوری اسلامی بچه مثل آدم به حسابش نمیآورند. به ویژه فرزندان اکثریت جامعه کارگری و زحمتکشانی که کل ثروت جامعه و حقوق جنایتکاران حاکم ضد کودک نیز از قبل کار و رنج آنها تامین میگردد. میتوانم به جرات بگویم بد شانسترین بچههای دنیا فرزندان هستند که زیر سایه حکومت جمهوری اسلامی متولد شده و قربانی میشوند. کودک خط قرمز هر جامعه ای انسانی است. مردم نباید رفتار ضد کودک و بی توجهی دولت حاکم اسلامی سرمایه داران را نسبت به کودکان را قبول کنند. کارکردن حق کودک نیست! باید ممنوع اعلام گردد! کودک نباید شاهد مشکلات خانوادگی یا شرایط

بد اقتصادی پدر و مادر باشد. دکتر و درمان و آموزش رایگان برای کودک به عهده دولت است. کتک کاری بچه جرم بزرگی است. نگهداری از کودکان بی سرپرست و تامین امنیت جسمی و روحی و اقتصادی آنها وظیفه اول هر دولتی است برای پرورش انسانی آنها نه تجاوز و پرورش آنها برای جبهه و جنگ و خرافات دینی! از طرف نظامی که خود را "دولت مردم" می داند. کودکان و نسل نوجوان و حق دارند یک زندگی استاندارد در همه زمینه های آموزشی اقتصادی، تفریحی و بدور از خرافات دینی و نژادپرستانه زندگی کنند، و اما تنها با نابودی رژیم ضد کودک جمهوری اسلامی این حداقل های انتظار از تامین حق و حقوق کودکان و جوانان ممکن خواهد گردید.

**کارگران و "ملت ایران"**

علاوه بر زنان و کودکان، کارگران ایران نیز بخش اعظم "ملت ایران" را تشکیل می دهند!، بخش سازنده و تولید کننده هستی کل جامعه کارگران ایران هستند. که خود نه تنها در ردیف "ملت ایران" محسوب نمیشوند از طرف جمهوری اسلامی و سرمایه داران جانی و ظالم، که به شنیعترین شکل ممکن مورد سرکوب و تحقیر و فقر روبرو هستند. کارگر باید حق تشکل و اعتراض داشته باشد، کارگر باید از بهترین امکانات اقتصادی و دستمزد بالا برخوردار باشد، کارگران و کودکان و خانواده آنها نباید به خاطر فقر و ناداری از آموزش و تفریح و امنیت و خوشبختی محروم گردند. در محیط کار باید با وسایل ایمنی برخوردار باشد. کارگر باید سر ماه حقوقش پرداخت شود. کارگر به

هر دلیلی بیکار میشود و یا بیکار است دولت موظف به پرداخت بیمه بیکاری به آنها است. کارگر در سال باید حداقل ۳۵ روز مرخصی داشته باشد با حقوق. کارگر باید بتواند در سال دو بار سفر کند به کشورهای دیگر که مورد علاقه خودش است. برود کنار دریایی افتابی بگیرد ایجو و مشروب نوش جان کند و غذاهایی خوش مزه و متنوعی امتحان کند. قرارداد موقت و سفید ممنوع باید گردد. با تامین کار یا بیمه بیکاری مناسب نباید راه کار سیاه یا "غیر قانونی" کردن و با دستمزد پائین کار کردن را باز گذاشت.

هر کاری که شروع میگردد از همان هفته او باید صد در صد قانونی شود و کسی امکان دست درازی و زور گوئی و فریب کارگر نداشته باشد. کارگر حق اتحادیه و شورا و مجمع عمومی و هر نهاد دیگر که خودش درست میکنند برای دفاع از حق و حقوق خودشان باید داشته باشد. دولت و کارفرما و قانون اجازه ندارند مانع تراشی کنند در ایجاد تشکل یابی کارگران. نماینده ای که از طرف کارگران انتخاب میشود کار فرما و دولت باید به رسمیت بشناسد.

کارفرما نمیتواند و نباید حق داشته باشد بدون اجازه تشکل کارگری و مشورت قبلی با نماینده کارگران هیچ کارگر را از کار اخراج کند. در حین کار کردن اگر مشکل ایمنی برای کارگر پیش آمد، دولت، کارفرما و بیمه مسئول هستند. کارگر زن بچدار باید شامل یک سال مرخصی شود با حقوق کامل. دستمزد زن و مرد در کار مشابه باید برابر باشد. و دهها مورد مشابه دیگر.

**حق شهروندی همگانی و "ملت ایران"**

در باره حق شهروندی همگانی نیز روشن است که دولت اسلامی نه تنها دولت "ملت ایران" نیست که ضد حق شهروندی اولیه هر فردی است. هر صدای مخالفی حتی در صف خانواده مرتجع خودشان را هم با تفنگ و زندان و اوباش لباس شخص و غیره جواب می دهند! و به این هم می گویند دفاع از "مردم و ملت ایران!"

هیچ انسانی به خاطر اعتراض و یا داشتن عقاید و مذهب و یا بی مذهبی نباید مورد بازخواست قرار بگیرد. نباید زندانی سیاسی در کشوری وجود داشته باشد اگر سر سوزنی حاکمیتش به شهروندا آن کشور ربط داشته باشد. آزادی بی قید و شرط حق بی چون چرای هر انسانی است. دولت و نیروهای سرکوبگر حق دخالت ندارند در امر خصوصی شهروندان، هر کسی به هر دلیل میخواهند بازداشتش کنند باید ۲۴ ساعت قبل اطلاع به طرف بدهند و جرمش با حضور وکیل ان فرد اعلام کنند و دادگاههای بسته و مخفی را پایان دهند و قضات و سیستم قضائی را باید از دولت و حاکمیت و مذهب و قدرت مستقل کرد!، وووووو

اما صورت مسئله واقعی این است که متأسفانه در ایران هیچ حق و حقوقی که به آزادی و رسالت انسانی انسانها مربوط باشد اجرا نمی گردد. کارگری که ۶ ماه تا یک سال کار هم کرده اما حقوقش پرداخت نمیشود که هیچی اگر هم اعتراض کند شلاقش هم میزنند زندانش هم میکنند ←

**بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!**

جمهوری اسلامی و ترفند...

مگر امثال رضا شهبابی و محمود صالحی ها چه جرمی کرده اند؟ چرا در اوج وقاحت باید بتوانند زندانیان کارگری که در حال مرگ هستند و بیمار و در تخت بیمارستانها قرار دارند به زنجیر بکشند؟ چرا نباید همه بیایند بیروند و علیه این شرایط خفت بار اعتراض نمایند؟

بدین ترتیب در عرصه های مهم اجتماعی که بر شمردیم و اکثریت شرافتمند و زحمتکش و کارکن جامعه ایران را تشکیل میدهند معلوم است که این حکومت به دروغ از اسم "دفاع از ملت و میهن" حرف می زند. معلوم است این شعارها رمزی است دقیقاً برای سرکوب همین بخش از جامعه و اعمال حاکمیت اقلیت دزد و سرکوبگر دینی و سرمایه دارانه خود بر کل جامعه. وقتی از چنین کلمات و تحریکات ارتجاعی استفاده میکنند ضمن تلاش برای فریب دادن همین اکثریت انسانهای زحمتکش، باید متوجه شد که منظور جمهوری اسلامی و هر دولت مشابه، این است که در این پوشش هدف سرکوب این همین بخش از "ملت" شرافتمند و کارکن است در راستای دفاع واقعی اش یک مشت زالو صفت مرتجع، نوکر منش، اسلامی، آخوند و سرمایه داران و مزدوران مفت خوری تا بدین طریق به بقای تداوم نظام فاسدش ادامه دهد.

مردم آزادیخواه!

در دفاع از حق و حقوق خودتان باید متحد شوید و یک زره کوتاه نیاید. این جنایتکاران ۳۹ سال است حق و حقوق شماها را خوردند و دزدیدن و خرج حزب الله لبنان و جنگ ضد مردمی در سوریه و عراق و یمن و غیره کرده اند بدون اینکه از شما نظری خواسته باشند! بدون اینکه به کسی حساب پس بدهند! در حالی که هر روز به شماها بی حرمتی و دهن کجی کرده اند و اقتصاد و ثروت که مال شما است میبرند در این جنگها و در بین داروخته های دزد حاکم خدا پرست و سرمایه داران تقسیم میکنند.

باید جواب اینها را با قاطعیت داد. با تشکل و اتحاد و با نقشه روشن داشتن و بدون توهم به هیچ بخشی از جناح بندی این رژیم یا احزاب طرفدار سرمایه داران و مذهبی و ناسیونالیستی یا امید بستن به کشورهای دیگر و غیره خودتان با اراده و نیروی خود کار این رژیم را یکسره کنید. فریب این جناح و ان جناح نخوردید. همه امتحان پس داده هستند و ضد کارگر و زن و کودک و آزادی و برابری هستند.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران با تمام توان فکری و عملی در کنار شما است برای به زیر کشیدن این رژیم. به حزب سوسیالیست انقلابی که حزب کارگران و

در سایه حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی در شش ماه نخست سال ۴۸۲ کودک معتاد به دنیا آمده اند



خبرگزاری هرانا - رئیس اورژانس اجتماعی کشور گفت که سال گذشته ۱۱۸۹ کودک مسمومیت با مواد مخدر داشته و در شش ماهه امسال نیز ۴۸۲ کودک، معتاد به دنیا آمده اند. به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از برنا، حسین اسدیگی گفت: "مسمومیت کودکان با مواد مخدر یکی از مصداق های کودک آزاری است که بسیاری از این کودکان از بدو تولد و از طریق مادران معتاد خود گرفتار می شود."

وی ادامه داد: "براساس آمار سال گذشته از سطح بیمارستانها و درمانگاهها، ۸۴۹ کودک مسمومیت با مواد مخدر داشته اند و در شش ماهه ابتدایی امسال نیز ۵۷۰ کودک تازه متولد شده در بیمارستان با مواد مخدر مسموم شده اند."

اسدیگی گفت: "به طور کلی سال گذشته ۱۱۸۹ کودک مسمومیت با مواد مخدر را داشته اند که از این تعداد ۶۰۰ نوزاد دختر و ۵۸۹ نوزاد پسر گزارش شده است."

رئیس اورژانس اجتماعی کشور ادامه داد: "در سال ۹۵، ۶۳۹ نوزاد تازه متولد شده مسمومیت با مواد مخدر داشته و در شش ماه ابتدایی امسال ۴۸۲ کودک معتاد، به دنیا آمده اند." اسدیگی گفت: "در سال ۹۵ از میان ۱۱۸۹ کودکی که مسمومیت با مواد مخدر آنها محرز شده، ۴۶۷ نوزاد تحویل به بهزیستی شده، ۶۰ نوزاد تحویل اقوام و ۱۵ نوزاد بر اثر مسمومیت با مواد مخدر فوت کرده است."



خبر کوتاه بود اما دردناک! مدیرعامل سازمان خدمات اجتماعی شهرداری تهران: به ۹۰ درصد کودکان کار تجاوز می شود

ستم دیدگان و زنان و آزادیخواهان و انسانهای شرافتمند است بپیوندید و تلاش کنید این حزب را به دیگران بشناسید و از آن خود بدانید. زنده باد آزادی، برابر، رفا و خوشبختی انسانها.

تجاوز به ۹۰ درصد کودکان کار و خیابانی بنا به گفته مقامات رژیم اسلامی در سایه حکومت اسلام

اطلاعیه شماره ۸ کمیته دفاع از محمود صالحی تصمیم دستگاہهای امنیتی به بازگرداندن محمود صالحی به زندان

کارگران!

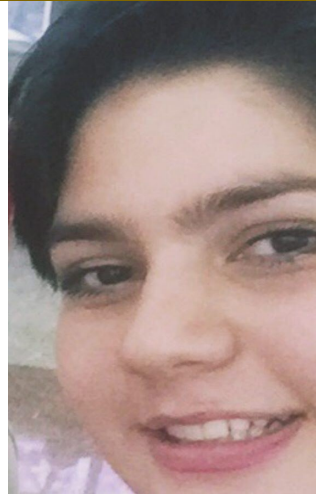
تشکلهای کارگری و مردم آزادیخواه! همانطوریکه در اطلاعیه های قبلی و از طریق مصاحبه های مطبوعاتی نجیبه صالح زاده سخنگوی کمیته دفاع به آگاهیتان رساندیم، بنا به اظهار نظر و تشخیص پزشکان معالج محمود صالحی در شرایطی نیست که بتواند تحمل زندان را داشته باشد و بایستی هرچه سریعتر و اورژانسی به بیمارستانی مجهزتر در تهران و با تبریز اعزام شود. شدت وخامت وضعیت جسمانی محمود صالحی را علاوه بر پزشکان معالج وی، پزشکی قانونی سقز نیز که سازمانی وابسته به قوه قضائیه است و نظراتش برای مراجع قضائی و سایر نهادهای دولتی معتبر می باشد، تائید نموده است. با وجود چنین پشتوانه محکمی اما شعبه ۴ اجرای احکام سنندج نظر پزشکی قانونی سقز را بر خلاف قوانین قضائی جاری رد و به محمود صالحی و خانواده ایشان اعلام نموده اند که، محمود روز جمعه ۱۹ آبان ماه به زندان بازگردانده می شود. ما اعضای کمیته دفاع از محمود صالحی معتقدیم که این اقدامات و زمینه سازی برای بازگرداندن محمود صالحی به زندان زیر فشار نهادهای امنیتی و در راس آن وزارت اطلاعات صورت می گیرد. بنابراین تنها استتاجی که از بازگرداندن ایشان به زندان می توان گرفت این است که، تصمیم به از بین بردن تدریجی محمود صالحی گرفته اند. ما هرگونه اقدامی که منجر به بازگشت وی به زندان و یا جلوگیری از اعزام ایشان به یک بیمارستان مجهزتری شود را محکوم و آن را عامدانه دانسته و از کلیه تشکلهای کارگری در سطح بین المللی و مدافعان طبقه کارگر و مردم آزادیخواهی که دل در گرو جنبش کارگری دارند میخواستیم نسبت به این اقدام ضد انسانی وزارت اطلاعات به هر طریق ممکن واکنش نشان دهند و برای آزادی کلیه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در بند متحد عمل کنند.

کمیته دفاع از محمود صالحی

هجدهم آبانماه ۱۳۹۶

## کودکان کار

تینا خلیفه ای



در هر جامعه ای کودکان باید در حال پیشرفت و نوسازی تحصیل و چشیدن طعم دوران کودکی‌شان باشند و از کنجکاو و پیدا کردن مسائل پیرامون لذت ببرند. به طور طبیعی دولت و سیستم باید بودجه ی تحصیل و رفاه کودکان را تا سن ۱۸ سالگی عهده دار باشد تا کودک با آرامش و آسایش کامل بتواند کودکی نوجوانی و جوانی پر لذت و مفیدی را تجربه کند. اما در برخی دولتهای مانند رژیم جمهوری اسلام این قانون و اساس نقض شده و معضلی به نام معضل کودکان کار روی داده است که گریبانگیر بیش از ۲ میلیون و نیم کودک در ایران است. جمهوری اسلامی با سیستم و سازمانی خشک و افراطی و با عدم توجه به گیر و گرفت مردمی و فقر حاکمه و روز افزون در ایران و به هم زدن دنیای واقعی کودکان ی این خردسال های در ارزو و امید ان ها را به فحشا نا امیدی یأس بیماری گرسنگی درمانگی تن فروشی، معرض تجاوز قرار گرفتن و بسیاری دیگر از بلاهای خانمان سوز قرار میدهد و بدون هیچ توجهی به حق و حقوق این فرزندان تشنه و نیازمند کمک و اما مسئولین نیز این روال حکومت را در پیش گرفته و ادامه میدهند اماها و منش های وضعیت را به دست دارند اما کاری نمیکند.

است و شامل کار در کارخانه، معدن، کشاورزی، قاچاق یا جابه جایی مواد، گل فروشی، فال گرفتن، دست فروشی، واکس زدن کفش و پینه دوزی، استفاده در کسب و کار شخصی مانند (فروش غذا) و چندی دیگر از این دسته است.

ضد انسانی ترین، نامعقول ترین و ناهنجارترین بگرنج کار در کودکان استفاده ی نظامی از کودکان و تن فروشی یا اغمای زور برای کاسبی کردن از طریق جنسی برای کودکان کار است. کار کودکان در ایران به علت فقر و صنف پایین توانایی خانواده ها برای خرج و تحصیل کودکان ناعدالتی و عدم رسیدگی مسئولان به وضعیت نابسامان کودکان کار و در نظر نگرفتن خط فقر و وضعیت اقتصادی حاکم برای بهبود و عض هر چه سریعتر این کودکان. کودکان کار زاده ی فقرند و مقصر اصلی فقر دولت حاکمه است. در اصل به بیگاری کشیدن این کودکان افراد استثمارگرکه وظیفه ی کار کشیدن از کودکان را بر عهده دارند را به عرش و اوج در آمد زایی و رشد اقتصادی می رسانند و فاصله ی طبقاتی را رشد میدهند و باعث شیوع هر چه بیشتر فقر و تهیدستی در جامعه میشوند.

طی امار سازمان خدمات اجتماعی استان تهران به ۹۰ درصد کودکان کار تجاوز میشود. و حال مقصر کیست جز سرمایه داران دولتی و حکومتی که با چند هزار میلیارد بودجه توانای رفع مشکل فقر و تهیدستی خانوادگانی را که در قعر چاه فقر دست و پا میزنند ندارند. ساختن سرپناهی امن یا بودجه ای برای کمک به اینگونه کودکان برای رژیمی که خود بانی آن است چه در تحمل فقر به جامعه چه در سواستفاده از کودکان در میدان جنگ و چه سرعت دادن به تجاوز جنسی به کودکان خرد سال دختر و غیره قابل تصور نیست!

راه کار چیست ؟ جلب توجه کل جامعه در حمایت از موقعیت کودکان در ایران از جمله کودکان کار و خیابانی، اعتراض به جمهوری اسلامی و وادار کردن او به تامین هزینه مخارج کودکان، بستن دست مافیای مذهبی و دلالهای سرمایه دار از سو استفاده جنسی و کاری از کودکان، اهم اقدامات مسئولانه در این خصوص میتواند باشد. ایجاد نهادها و گروه های انسان دوست مستقل از دولت برای شناخت وضعیت، مشکلات و آسیب های این کودکان، گردآوری آمار، اطلاعات و منابع گوناگون در مورد آنان، آشنایی با علل و عوامل ایجاد کننده این آسیبها و افزایش آنها، اولین گام در راه کمک رسانی به این کودکان و تلاش برای ایجاد تغییرات لازم در زندگی آنان به منظور بهره مندی از حقوقشان است. کمبود اطلاعات و پراکندگی آنها در ارتباط با کودکان در معرض آسیب به طور عام و کودکان کار و خیابان به طور خاص از جمله موانعی می باشد که در راه برنامه ریزی و ساماندهی فعالیت های لازم برای رهایی آنها از شرایط آسیب وجود دارد. شکل گیری بانک اطلاعات کودکان کار و خیابان می تواند در این زمینه، راهگشا باشد. اما راه کار واقعی چیست راه خلاصی از این معضل ویرانگر چه چیزی میتواند باشد غیر از آزادی و آزادی خواهی غیر از دستیابی به حکومت و بنیان سوسیالیستی نیست.

با مغایر ایستادن با خشونت و نابرابری و فقر علیه سازندگان کودکان کار در سیستم سوسیالیزمی و رهبری پیشبرد اهداف حقوق انسانی و حقوق بین الملل میتواند درمانی برای زخم های پینه بسته ی دست های کارگر کودکان کار بود که معصومانه در کوچه پس کوچه های خاکستری و ننگین شهر دنبال تکه ای نان آواره اند!

**نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!**

## طلاق، معضل یا راه چاره برای برون رفت از مشکلات

سیما حسینی

طلاق و از هم پاشیدگی کانون خانواده، یکی از معضلات مهم اجتماعی است که پیامدهای آن از مشکلات بزرگ جوامع کنونی به شمار می رود ولی در شرایط حاضر متأسفانه به صورت متداول ترین راه حل یک ازدواج ناموفق درآمده است. حتی در بهترین شرایط، طلاق تجربه هیجانی ناراحت کننده ای است و در بدترین شرایط، می تواند به شوک و سردرگمی شدید منجر شود. مشکل و آسیب دیگر حاصل از طلاق زوجها، تنهایی و مشکل سازش دوباره با اجتماع است.

غالباً طلاق پیامدهایی در ابعاد فرهنگی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی را به همراه خواهد داشت که در این میان سهم زنان از این پیامدها و ناخوشی ها بیشتر خواهد بود.

خانواده مهمترین نهاد اجتماعی موجود در جوامع انسانی است و از نظر تکوین شخصیت و پرورش آن در فرزندان و نحوه کیفیت آن از حیث تطابق بعدی فرد در جامعه دارای آثار وسیعی می باشد.

طلاق معمولاً و متأسفانه شعله ی محبت را خاموش می کند، عشق ها را به کینه و دشمنی بدل می سازد، ضعف های یکدیگر را در برابر چشم هم بزرگ می نماید. حتی سبب می شود که آنان فقط نقاط منفی یکدیگر را ببینند، هر کدام سعی دارد دیگری را متهم سازد و زمینه را برای سقوط

اعتیاد مهمترین عامل بیشتر طلاقها معرفی می شود ولی نمی توان اعتیاد فرد را به تنهایی عاملی برای طلاق از طرف زوجه بیان کرد. عدم وجود مرد در خانه، بی مسئولیتی وی در برابر همسر و فرزندان همچنین عدم توانایی مرد برای تأمین مخارج زندگی مشترک که به دنبال اعتیاد فرد می آید، سبب بروز طلاق می شود.

یکی از مهمترین مشکلات زن پس از طلاق مشکلات مالی است، در بسیاری از موارد زن در مقابل طلاق از سوی شوهر از تمام حق و حقوق قانونی خود چشم پوشی می کند و یکی از آنها مهریه می باشد.

۳۹ هزار و ۹۸۱ واقعه طلاق طی سه ماه گذشته در ایران به ثبت رسیده است که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۷/۵ درصد افزایش داشته است.

بیشترین طلاق ثبت شده مردان در گروه سنی ۲۹ و ۲۵ ساله با ۹ هزار و ۸۵۵ واقعه بوده است و بیشترین طلاق ثبت شده زنان نیز در گروه سنی ۲۹ و ۲۵ ساله با ۹ هزار و ۳۹۴ واقعه بوده است.

مقامات رسمی جمهوری اسلامی دلایل گوناگونی را برای افزایش مستمر طلاق و کاهش ازدواج در ایران بیان میکنند. این دلایل از دخالت خانواده در امور زوجین تا اشاراتی به فقر اقتصادی را در بر می گیرد. اما آنها این دلایل را طوری بیان میکنند تا گردی بر دامن جمهوری اسلامی ننشیند.

در یک جامعه متعارف بورژوازی طلاق می تواند نشانه عدم تمکین زن به مقررات جامعه مردسالار و استقلال او باشد.

چنین طلاق هایی نمایانگر این واقعیت خواهد بود که زنان در شرایطی قرار گرفته اند

تا با مردسالاری و نظام حامی و ابفا کننده آن، یعنی سرمایه داری مبارزه کنند. جمهوری اسلامی در ایران اکثریت جمعیت را به زیر فقر رانده حتی آنجا که زن خواهان طلاق می شود این معنا کمتر واقعیت پیدا میکند. زن مطلقه در ایران با فرهنگ اسلامی و مرد سالار به عنوان بیوه شناخته شده و همیشه در خطر تحقیر و حتی تجاوز است. کودکان خانواده های از هم پاشیده به نسبت قبل وضعیت ناایمنی پیدا میکنند. در مورد خانواده های متلاشی شده طبقه کارگر و اقشار تهیدست جامعه کودکان در اکثر موارد به ناچار ترک تحصیل کرده و به کودکان کارگر و یا بدتر از آن به کودکان کار و خیابان تبدیل می شوند.

در شرایط کنونی ما و تمام مبارزین راه رهایی انسانها برای استقرار جامعه ای سوسیالیستی مبارزه می کنیم که در آن خانواده صرفاً بر اساس علاقه و عشق دو طرف به همدیگر و بدون هیچ نیاز مادی تشکیل شود. ما خواهان پاشیده شدن خانواده ها نیستیم و برای جامعه ای مبارزه میکنیم که در آن حرمت انسانها حفظ شود و انسانها حق انتخاب خود را داشته باشند و هیچ اجباری آنها را تهدید نکند. استقرار چنین جامعه ای فقط به نیروی طبقه کارگر متحد و متشکلی ممکن می شود. دست زدن به اقدامات فوری برای اجتماعی کردن وظایف خانگی نظیر پخت و پز، نظافت و بویژه بچه داری یکی از نیازهای مهم برای تحقق این هدف است. در چنین جامعه ای چنانچه زن و مرد به این نتیجه برسند که به هر دلیل نمی توانند زندگی مشترکشان را ادامه بدهند، جدایی، دیگر نه مصیبت، بلکه وسیله ای برای آسانتر و لذتبخش تر کردن زندگی خواهد بود. و در چنین موقعیت نباید کودکان و زنان بدون امکانات اقتصادی تنها گذاشته شوند، دولت و جامعه مسئول تأمین امنیت اجتماعی و اقتصادی زنان و کودکان در جوامع نظیر ایران است.

## در محکومیت ترور جنایتکارانه احمد نیسی

طبق اخبار منتشر شده در رسانه ها رهبر یکی از احزاب "استقلال طلب اهوازی" در هلند به اسم احمد نیسی، معروف به احمد مولی (ابو ناهض)، شامگاه چهارشنبه هشتم نوامبر ۲۰۱۷، در مقابل درب منزلش در شهر لاهه هلند به ضرب ۳ گلوله به ناحیه سر و سینه از سوی مهاجمان ناشناس ترور شد. پلیس هلند اعلام کرده که یک فرد مظنون را دستگیر کرده است. سازمان "حرکت النضال العربی" لتهیر الاحواز" با صدور بیانیه ای کوتاه اعلام کرده که دبیرکل این سازمان احمد نیسی، "به دست خائن"، ترور شده اما گروه یا دولتی را متهم نکرده است. اما خانواده این فعال سیاسی عرب زبان بخش برونمرزی وزارت اطلاعات و وابستگان به این نهاد در خارج از کشور را متهم به ترور احمد نیسی میکنند. این اقدام جنایتکارانه از سوی هر دولت و فرد و نهادی صورت گرفته باشد جنایتکارانه، تروریستی و قابل محکوم کردن است.

(نشریه سوسیالیسم امروز)

چهار میلیون تومان حداقل دستمزد



زنان و جوانان انقلابی به حزب بپیوندید



## دمکراسی یا نفت؟!

زاگرس ابراهیمی



وقتی خمینی را جای شاه می آوردند همین رژیم اسلامی مورد حمایت جدی امریکا بوده و در واقع ایران امروز عقب افتاده مسولش همین امریکا است با تهمی جریان اسلامی خمینی به آن مملکت. وقتی ایران امروز با امریکا شاز به شاخ میشود با آن مخالفت میکنند اگر ایران منفعت امریا را امروز بهتر از عربستان تامین کند شکی نیست به همین دولت امریکا و غرب تبدیلیش میکنند.

نمونه اخیر و بارز دیگر مسئله انتخابات ریاست جمهوری امریکا و سخنرانی ترامپ در مورد جنگ داخلی و خانمان سوز سوریه که در آنجا صدها هزار نفر از مردم بی گناه جامعه اعم از مرد و زن و کودک قربانی شدند اما به جایی دفاع از مردم صراحتاً اعلام کرد که ما از چاه های نفت در سوریه محافظت میکنیم.

از این سخنان و عمل دولت های غربی در این چند دهه کاملاً برای ما آشکار میشود که موضوع حقوق بشر و دمکراسی غرب در خاورمیانه تنها و به خاطر تأمین منافع خود و به حراج بردن ذخایر نفتی و گاز و به کنترل در آوردن دولتهای ضد مردمی حاکم در منطقه در زیر سلطه خود است نه حفظ امنیت و آرامش و رفاه آن جوامع. و بیچاره مردمان خاورمیانه که منتظر هستند که غرب دمکراسی و رفاه و آرامش را برای کشورشان به ارمغان بیاورند.

اگر بخواهیم با زره ای انصاف این دو حکومت را باهم مقایسه بکنیم بر همه ما آشکار است با وجود حاکمیت یک نظام ضد آزادی و سرکوبگر در ایران اما همچنان موقعیت عمومی مردم به مراتب بهتر است از مردم زیر حاکمیت عربستان سعودی که حتی اجازه رانندگی به زنان نیز تا مدتی پیش نمیداد و زنان حق رأی دادن در انتخابات را نداشتند. با این روی دولتهای غربی بخصوص امریکا يك بار اتفاق نیفتاده است مانند نقدی که به نقض حقوق بشر در ایران دارند به طور رسمی اینطور کشور عربستان را مورد نقد یا انتقاد قرار بدهند. برعکس با این دولت رابطه ای بسیار دوستانه و نزدیک دارد. یا نمونه بارز دیگر چگونگی و مسیر به قدرت رسیدن صدام حسین توسط سازمان اطلاعات امریکا CIA و علل سرنوشتی همان حکومت توسط خود دولت امریکا و متحدان غربیش. تا زمانی که شخص صدام حسین از منافع امریکا دفاع میکرد و برای امریکا منفعت داشت از او حمایت میکردند و هیچ گونه مشکلی با نوع حکمرانی او نداشتند اگر چه در دوران حکمرانی صدام حسین اقدامات جنایتکارانه ای همچون ژینوساید و قتل و عام وسیع کردها و استفاده از سلاح های شیمیایی و... را مرتکب شد اما هیچ دولت غربی برای يك بار نیز از او خورده ای نگرفتند حتی برعکس از دولت او نیز حمایت می کردند. تاریخ مستند همین رفتار را به نوعی در گذشته با ایران نیز داشته اند

خانمان سوز در جهت تأمین منافع خود در خاورمیانه. کلمه و سیستم دمکراسی در کشورهای خاورمیانه نه آزادی و رفاه و آرامش اجتماعی بلکه در سایه آن جنگها تبدیل شده است به گسترش سلاح و جان گرفتن مردمان آن کشورها و رشد جریانات قرون وسطی اسلامی و ناسیونالیستی و غارت و چپاول ثروت و منابع زیرزمینی و ... آن سرزمین ها توسط دولتهای غربی بخصوص امریکا و اروپا و همپیمانان آنها در منطقه در این چند دهه گذشته.

به نظر من قرار نیست نوع سیستم حکمرانی که در کشوری یا قاره ای جوابگو بوده است آن نوع سیستم حکمرانی نیز در کشورهای دیگر و یا در قاره ای دیگر جوابگو باشد و با روانشناسی و آداب و رسوم مردمان آن جامعه همخوانی داشته باشد. بطریق اولی از راه جنگ و کشتار میلیونها انسان هیچ سیستم انسانی تأمین نمی گردد. آنچنان که میدانیم این قانون است که جامعه را هدایت میکند و شرط اول تعیین و جوابگو بودن قانون در جامعه ای بستگی به روانشناسی اجتماعی آن جامعه دارد.

در اینجا برای سیاست دو پهلوی غرب و دمکراسی صادر شده از طرف آنها چند نمونه را می آورم همچنان که شاهد هستیم دو کشور عربستان سعودی و ایران، نوع سیستم حکومتی هر دو کشور اسلامی است و اما

با نگاهی گذرا به رویدادها و جنگهای اتفاق افتاده در چند دهه گذشته در کشورهای خاورمیانه بخصوص در ایران، افغانستان، عراق، سوریه، مصر و لیبی و ... و با نگاهی به چند دهه گذشته کشورهای دیگر بخصوص غرب و ثبات و آرامی آن کشورها، اولین سوالی که برای ذهن ما ایجاد می شود این است که چرا در نقاط دیگر این کره خاکی کشورها و مردمان آنها با ثبات و آرامش زندگی خود را ادامه می دهند اما در خاورمیانه همیشه جنگ و خون ریزی در جریان بوده است و هست؟

به نظر من ریشه تمام جنگ ها در خاورمیانه تنها و تنها کنترل خاورمیانه و کنترل نفت خاورمیانه به دست دولتهای غربی است و به خاطر این مسئله غرب هر روز به بهانه ای اقدام به ایجاد جنگ های مخرب و ناامنی در خاورمیانه میکند. گاه به بهانه سرنوشتی دیکتاتوری به اسم صدام حسین که عامل خود سازمان اطلاعاتی CIA بود و گاه به اسم مبارزه با افراطگرایان اسلامی و تروریست که امثال آن نیز بن لادن بود که او نیز دست پرورده و عامل خود سازمان اطلاعاتی CIA بود و گاه به بهانه عدم دمکراسی، حقوق بشر و یا برقراری حکومتی دمکراسی در کشورهای خاورمیانه، که هر کگاه کسوری را هم به هم زده اند بسیار ویرانتر از دوره سابق شده است.

و اما تمرکز من در این مقاله بیشتر روی کلمه "دمکراسی" است و بهانه کردن عدم دمکراسی برای دولت های به منظور ایجاد جنگهای

## اسلام و تسلیم نقطه مقابل آزادیند (قرآن را با زبان مادری بخوانیم)

سهراب کرماشانی

**سوره بقره آیه ۲۵:** " و مژده ای پیغمبرکسانی را که ایمان آورده اند و نیکوکار شدند بیقین آنها راست باغهای یی که جاریست در آنها نهرها ی و چون روزی دهند آنها را از میوه های بهشت گویند این مانند میوه هایبست که دادند ما را پیش از این درد نیابور میوه و خوردنی برآنان بیاورند بیکدیگرماننداست وایشانرا در بهشت جفتهای پاک و پاکیزه است و درآن بهشت همیشه جاویدخواهندزیست..."

بشارت و مژده دادن توجیه و بهانه ایست در راستای به استثمار درآوردن انسانها، انسانهایی که ابتدا ایمان بیاورند و سپس نیکوکار خواهند شد. یعنی در عالم هستی آنانکه ایمان به قرآن و اسلام ندارند نمیتوانند نیکوکار باشند. بشارت دهنده آنقدر پست و فرومایه است که هر فرد را وعده جفتهای پاک و پاکیزه و عمری جاودان خواهد داد!!!

**آیه ۲۶:** "... بدرستی که خدا را شرم و ملاحظه نیست در اینکه مثل زند به پشه و بزرگتر از آن پس هر مثل که آرد آنهایی که بخدا ایمان آورده اند میدانند که آن مثل حق است و از جانب پروردگاریشان آمده و اما آن کسانی که کافر شدند میگویند چه مقصود خداست از مثل بلی گمراه میکند به آن مثل بسیاری را هدایت میکند بسیاری را و گمراه نمیکند به آن مگر فاسقان را." اگر نویسنده آنقدر عالم بود میتواندست به اتم اشاره داشته باشد تا پشه و به بزرگتر از پشه در عالم هستی اشاره نشده و این خود بیانگر اوج نا آگاهی و نادانی نگارنده است. و مثال آنچه که او خود میداند ایمان آوردگان به دین را کدام گمراه کند و کی را هدایت نشان دهنده ضعف نیروی برتر نسبت به بخشندگی و تبعیض اوست.

**آیه ۲۷:** "... کسانی که میشکنند عهد خدا را پس از آنکه محکم بستند و می برند آنچه را که خدا امر به پیوند آن کرده است در زمین و میان اهل آن فساد میکنند به حقیقت زیانکار آنها هستند..."

کدامین شکستن عهد و پیمان این قرارداد شما خود از روز اول قبل از تولد من شکستید، و خود نیروی برتر شما از همان ازل قبل از خلقت میدانست که من انسان کافر باشم و یا اینکه بنده تو؟! ایمان نداشتن به این کتاب نه جرم و نه جنایت است و نه ضرر و زیانی به انسان میزند، جاده یکطرفه را باید بست.

**آیه ۲۸:** "... چگونه کافر میشوید بخدا و حال آنکه مرده بودید و زنده کرد شما را و دگر بار بمیراند و باز زنده کند و عاقبت به سوی او باز خواهید گشت."

زنجیره و فرایند مرگ و زیست به صورت مکرر و زندگی همراه با درد و اسارت چه رنگ و بویی از شرافت و اشرف بودن انسان دارد، در حالیکه میگویند ما خود کافر و مومن کنیم، سپس باتاسف و نوعی التماس همراه با ترس و تهدید دعوت به باز گشت بسوی خود میکنید.

**آیه ۲۹:** "... اوست خدایی که خلق کرد برای شما همه موجودات که در روی زمین است پس از آن نظرگماشت بخلفت آسمان و هفت آسمان رابرفراز یکدیگر بر افراشت و او به هر چیز و همه نظام آفرینش داناست..."

آیات ۲۲ و ۲۹ سرشار از جهالت و نادانی نویسنده است و هیچ شناختی به علم فیزیکی خلقت جهان هستی و کیهانشانها ندارد. اعتراف و اقرار بی قید و شرط جهل و نادانی در کتابی که خود را منجی بشریت میداند گواه بر پوچ و بی اساس بودن نوشته هایش است.

چگونه میشود امروزه کسی باور به کتابی داشته باشد که زمین را مسطح بداند آسمان و هفت طبقه آنرا سقهای پیاپی همراه با پشت بام و زیر زمین را پارکینگ. این تفکر یادآور سالهای کودکی من و امثال من است که در اعماق تخیل پردازیهایمان میگذرد و جهان هستی را شبیه یک آپارتمان میدیدیم!

حال مهمترین نکته این آیه این است که میگوید اوست خدایی که خلق کرد برای شما همه موجودات که در روی زمین است. پس از آن نظر گماشت بخلفت آسمان و هفت آسمان بر فراز یکدیگر. هم اکنون یادی بکنیم از شهپر نامی جهان شکسپیر که میگوید زندگی همانند رومانی است که یک مست آنرا بنویسد و یک دیوانه آنرا بخواند.

مگر میشود فرایند بوجود آمدن بینگ بنگ و پس از آن تکامل کیهانشانها که امروزه هم ادامه دارد و سال هاست که دانشمندان و اساتید آن را کشف کرده اند زیر سوال برد. امیدوارم روز آن رسیده باشد که فرزندان شجاع و آگاه ایران قبل از اینکه اسیر توهم مذهب شوند با درایت و پذیرفتن مسئولیت قرآن را موشکافانه بازبان مادری بخوانند تا متوجه فریب کاریهای مزدوران و استعمارگران دینی شوند... ادامه دارد  
زنده باد کارگر. نابود باد جمهوری دینی. زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی ایران.

### سمینار بحث و گفتگو

شورای دفاع از جنبش کارگری در ایران - گوتنبرگ، سوند  
برگزار می کند

سمینار بحث و گفتگو درباره دستمزدهای کارگران در ایران به طور عام و در سال آینده به طور خاص.  
با شرکت رفقا:

سلام زیجی از حزب سوسیالیست انقلابی ایران عباس  
منصوران از حزب کمونیست ایران  
عضوی از شورای دفاع از جنبش کارگری

**مکان:** سالن اجتماعات هاگابو (Hagabio)

**زمان:** یکشنبه ۱۲ نوامبر (November)،

ساعت ۱۴ بعد از ظهر

شورای دفاع از جنبش کارگری در ایران - گوتنبرگ، سوند

**کارگران! حزب سوسیالیست انقلابی حزب شما است، به آن پیوندید!**

## نسل جوان ، نسل آزادیخواه، نسلی در حرکت ( قسمت سوم )

عزیز آجیکند



است. در واقع جامعه جوان به جامعه ای گفته میشود که کارمندان دولتش و اداراتش جوان باشند که متاسفانه در ایران متوسط سنی در ادارات بالای ۳۵ سال است. جوانان ایران چالشهای بسیار زیادی را پشت سر گذاشته اند .

جوانان ایران چالشهای بسیار زیادی را پشت سر گذاشته اند . نظیر سرکوب ساواک در دوران رژیم شاهنشاهی ، پدیده های مخرب از پیامدهای انقلاب سال ۱۳۵۷ و شکست انقلاب و به بیراهه رفتن اهداف انقلاب و سر کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی و سرکوب دوباره از طرف نیروی سرکوبگری چون سپاه ، زندان ، اعدام و مهاجرت اجباری و اپوزیسیون بودن در برابر حکومت مرکزی، تحمل کردن ۸ سال جنگ میان ایران و عراق و شرکت اجباری در آن و تحمیل هزاران فشار دیگر بر سرشان . خلاصه اینکه اینان جوان بوده اند و جوانی نکرده اند.

اما جوانان نسل سومی، گفتمان دیگریست که می تواند مد نظر باشد . جوانانی که گویا چالشهای بزرگتر و سنگینتری نسبت به پدرانشان را بدوش می کشند و در راهند تا به مطالبات واقعی خود برسند.

بیکاری نیز مواجه هستند که تا حد زیادی می تواند ناشی از سوء مدیریتها و همچنین ناهماهنگی میان دستگاههای اجرایی موجود در سیستم اداری جامعه باشد ، ناهماهنگی میان نظام آموزشی و نظام اقتصادی و همچنین ناهماهنگی میان سیاستهای اقتصادی نمونه هایی از این موارد می باشد. مشکل بیکاری تبدیل به يك معضل جدی شده و آسیب های فراوانی برای جامعه و خانواده ها ایجاد کرده است. در بسیاری از مطالعاتی که پیرامون جوانان انجام شده بیکاری یکی از متغیر هایی بوده است که در گرایش جوانان به انحرافات اجتماعی نقشی مهم ایفا کرده است. حل مشکل بیکاری تأثیر بسیار زیادی در کاهش مشکلات و مانعهای سر راه جوانان دارد.

بازدواج و بالا تر رفتن سن ازدواج، دغدغه های تحصیلی جوانان، جایگاه جوانان در خانواده و جامعه و ... از دیگر مسائلی است که جوانان از آنها رنج می برند. بسیاری از این مسائل را می توان با برنامه ریزیهای درست و با مشارکت فعال خود جوانان بر طرف کرد. جوانان در دوران های سخت زندگیشان در زیر سلطه هارترین حکومتهای قرون وسطایی نشان داده اند که از تواناییها و قابلیت های بالایی برخوردارند که با حمایت از آنها می توانیم به این مهم برسیم . ر خلاف گفته ها و گفتمان سیاسی نخبه های ناسیونالیزم ایرانی ، جامعه ایران یک جامعه جوان نیست . بلکه جامعه ای دارای جوان

جامعه ما که در گذر یک دوره سرنوشت ساز تاریخی است تفاوت های اساسی با دیگر کشور ها ، اعم از اروپا و حتی برخی از کشور های همجوار دارد. به همین دلیل مسائلی که برای آنها مطرح است ممکن است با مسائل جوانان ما متفاوت باشد. مسائل خانوادگی، تمایلات شدید جنسی به دلیل سرکوب آن از طرف ارتجاع حاکم، تحصیلی، فرهنگی، اقتصادی، اجتهادی، ماعی، سیاسی ، مسکن، ازدواج، اعتیاد و نبود آینده ای روشن و ..... از مواردی هستند که جوانان از آنها سخن به میان می آورند و جزو گفتمان اصلیشان می باشد و در فکر حل این بحران و گذر از آن هستند . این مسائل هر کدام به تنهایی می توانند زمینه های متفاوتی را در جوانان بوجود آورند، علاوه بر آنکه همه این مسائل یا بهتر است گفته شود بحران موجود، باعث بوجود آمدن یک ایده یا یک راهکار و یک طرح نقشمند جدی برای تغییر وضع موجود در جوانان می گردد. و همین ایده و راهکار برای گذر از بحران موجود و تغییر آن کفایت تا فعالیت و تلاش بیشتری را برای شروع یک دوره گذار از بحران موجود در وجود جوانان طلب کند. و باعث شود که جوان در فکر خلاصی آن و مسائل مربوط را بررسی و با شناخت بیشتر این موانع را کنار زند و به طرف ترقی خواهی قدم بر دارد.

امروز جوانان علاوه بر مشکلات اساسی فوق با مشکل

جوان و جوانی مسئله بسیار مهم و سرنوشت ساز در گذر زمان و همچنین سرگذشت و سرانجام یک جامعه ، قشر ، گروه و حتی یک حزب سیاسی فعال در جامعه با افقی روشن رو به نسل فردای خود بوده است. همه و همه در تمام دنیا در شکار این نسلند و با تلاش خود می کوشند تا جوان را مجذوب خود سازند . چراکه موفقیت یک جامعه مدرن در گرو جوانان و استفاده مفید از این نسل است. جوان پر انرژی ، قوی ، جسور و محکم و آگاه است و می تواند و خواهد توانست اعتقادات خود را در راستای ترقی خواهی به پیش برد و برای آن مبارزه کند.

جوانان بیشترین قشر جامعه را تشکیل می دهند، مسائل و مشکلاتی که جوانان در عصر حاضر با آنها مواجه هستند متنوع و متعدد هستند . هر گونه برخورد نادرست و عجولانه می تواند آثار و نتایج نامطلوبی در بر داشته باشد ، با اینکه منجر به بروز مسائل جدیدی برای آنها گردد. در جامعه به خصوص جوامعی که در آن ارتجاع حاکم است کمتر به بررسی مسائل و مشکلات جوانان پرداخته میشود. بی شک مسائل و مشکلات اجتماعی بطور ناگهانی و آنی بوجود نمی آیند بلکه بصورت تدریجی و طی فرآیند خاصی شکل می گیرند. مسائلی که جوانان با آن مواجه هستند بسیار پیچیده اندونیز به بررسی

**زنده باد مبارزه رادیکال، سوسیالیستی و ضد مذهبی فرهنگیان!**

نسل جوان ، نسل آزادیخواه، ...

گفتمان نسل سومی

www.simroz.org

نشریه شنبه ها  
منتشر میشود

روزهای شنبه هر هفته  
نشریه "سوسیالیسم  
امروز" منتشر میشود.  
آخرین زمان برای ارسال  
مطالب برای نشریه  
روزهای پنجشنبه هر هفته  
است.

موازین انتشار  
مقالات در نشریه  
سوسیالیسم امروز:

- سردبیر در انتشار، رد و  
ویرایش مقالات آزاد است!  
- مقالاتی در این نشریه منتشر  
میشوند که تنها برای این  
نشریه فرستاده شده باشد.  
- مسئولیت مقالات با  
نویسندگان آن است.  
- حداکثر حجم مطلب منتشره در  
نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت  
۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفا  
به این آدرس ایمیل بفرستید:

S\_zijji@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب  
کمک های مالی خود را برای  
ما بفرستید.

SWEDEN  
SEB BANK  
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما  
انسانهای مبارز و دلسوز  
مستقیماً به پیشرفت ما در  
جهت گسترش مبارزه خود  
برای آزادی و برابری و تداوم  
مبارزه همه جانبه تر خود به  
منظور سرنگونی جمهوری  
جنایتکار اسلام کمک فوری  
خواهد کرد.

در ایران برای جوانان نسل سومی هم نه تنها امکانات و برنامه ریزی خاصی در دستور کار نیست بلکه تعبیر و گفتمان غلطی نیز از جوان در بین حاکمان زانو صفت هم موجود است. مشکل جوان صرفاً ازدواج یا شغل نیست. جوان آزادی می خواهد، جوان ارزش می خواهد و دخالت و اعتبار و شرکت در تصمیم گیری و در قدرت و اداره جامعه ای که در آن زندگی میکند و سرنوشتش به آن گره خورده است. در جامعه ایران و به لطف عالی جنابان زانو صفت بعضی مشاغل دائم عمری هستند و با همیشه حداکثر مدت زمان آن شغل به یک نفر داده میشود. بیشک این باعث تک محوری و کهنگی و پوسیدگی می شود که مطابق خواست جوان نیست. وقتی به جوان بعنوان نتیجه تهاجم فرهنگی نگاه میشود افسرده میشود و عملاً به حاشیه رانده میشود.

بسیار ساده وقتی جوانی از خواستههایش در جامعه محروم میشود و طبق قانون اساسی به عنوان یک قانون کاملاً مذهبی و عقب افتاده از صحنه رانده میشود و ساده ترین حقوقش پایمال میشود، ناراحت میشود. کاملاً واضح است که جوان بدنبال تحول است به بدنبال نو گرایی است و به بدنبال زیباییهای زندگی. هر گروه و هر جریان و هر جامعه ای که بر خلاف جهت جریان پیشرو شنا کند رو به زوال و نابودی است و این باید عبرتی باشد برای گفتمان نسلی که می خواهد تغییر پذیر باشد. تک محوری و استبداد به روشهای دیگر نمی تواند جواب گو برای این جامعه باشد.

آمارها نشان می دهد در حال حاضر حدود ۳۸ درصد زندانیان را قشر جوان با میانگین سنی ۲۱ تا ۲۵ سال تشکیل می دهد، شاید یکی از دلایل این امر شیخ فقری است که بر خانواده های ایرانی و بخصوص جوانان سایه افکنده است. امروزه بسیاری از جوانان به دلیل قرار گرفتن در چرخه فقر و بضاعت مالی خانواده ها مجبورند برای تأمین نیازهای اساسی خود دست به اعمال خلاف بزنند و تا زمانی که با چنین معضلی مواجه باشیم همچنان با تشدید ناهنجاری های اجتماعی نیز مواجه خواهیم بود.

آمارها همچنین نشان می دهد ۱۵ میلیون نفر از جمعیت ایران زیر خط فقر زندگی می کنند و بیست و یک میلیون نفر نیز دچار فقر شدید غذایی هستند در حالی که درصد بالایی از جمعیت کشور را قشر جوان تشکیل می دهد. این در حالی است که ۷۰ درصد جوانان شاغل عنوان کرده اند از درآمد شغلی خود راضی نیستند و ۸۰ درصد جوانان نیز معتقدند در صورت تلاش جوانان برای تغییر وضع موجود، امکان پیشرفت شغلی برای آنها پیش خواهد آمد.

جهانی شدن با ابعاد و دامنه گسترده خود و با گذشت بیش از دو دهه، به مدد فناوری های اطلاعاتی توانسته عرصه را برای ورود منابع جدید هویت ساز فراهم آورد. جامعه ایران بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷ وارد مشکلات دیگری از تاریخ خود شد و تا امروز سه نسل را پشت سر گذاشته است و دارد عرصه دیگری از تاریخ خود را رقم میزند و تجربه میکند. در حال حاضر پدیده جهانی شدن هویت نسل جدید را با چالش مواجه نموده است و باید با تلاش و فداکاریهای مبارزین راستین جنبشهای انقلابی و به خصوص کمونیستها این چالش را پشت سر گذاشت و در راستای افق روشن و تغییر جدی از پایین به بالا برای این نسل گام برداشت و آنها را با خواسته های واقعی خود آشنا کرد. تهدیدات مذاهب و ادیان مختلف و مکتب های ضد ترقی خواهی با به کار گیری قانون ضد انسانی خود می خواهند هویت این نسل را نیز از بین ببرند و آنها را دعوت به اعتقادات پوسیده خود کند، آنها را شستشوی مغزی دهند و در گروه های افراطی سازمان دهند. که این وظیفه ای است در مقابل جوانهای آزادیخواه و برابری طلب و چپ و آشنا به مسائل سیاسی که نگذارند این نسل نیز طعمه خرافات مذهبی و زانو صفتان افراطی در هر دو جبهه اصلاح طلب و اصولگرا شود.

این نسل آزادیخواهان جامعه هستند که باید تواناییهای خود را به کار گیرند تا بتوانند جنبشی را رهبری کنند که در آن انسانها و نسل های بعدی بتوانند زندگی آرام و انسانی داشته باشند و گفتمان آزادی و سرنگونی خواهی را خواست اصلی این جنبش قرار دهند.....

به امید آرزو

تماس با حزب

۰۰۴۶۷۶۲۳۴۹۶۸۳  
۰۰۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶  
۰۰۳۳۷۵۸۰۷۸۴۱۰

اخراج و بیکار سازی موقوف!